

ضرورت التزام به ضوابط شرعی در امور پزشکی و اولویت‌های آن

حجه الاسلام دکتر حبیب الله زارعی

چکیده

یکی از مشاغل بسیار شریف در جامعه بشری پزشکی است؛ پزشکان در طول تاریخ نزد همه جوامع مورد احترام بوده‌اند. مکتب آسمانی اسلام نیز برای شغل پزشکی منزلت بالایی قائل شده و پزشکان و امور مربوط به آن را حرمت بسیار می‌نهد. این مقاله به بررسی جایگاه پزشکی در اسلام و رابطه امور پزشکی با ضوابط شرعی پرداخته است. منظور از امور پزشکی هر امری است که در فرآیند درمان و پزشکی موثر می‌باشد و افعال و رفتار انسان به نوعی (اختیاری یا غیر اختیاری) در آن دخالت دارد و مراد از ضوابط شرعی احکامی است که خدای سبحان در ارتباط با افعال و رفتار انسان وضع نموده است. حاصل این پژوهش با بررسی آیات قرآن کریم و بیانات معصومین (ع) و نظرات مراجع دین و تبیین مبانی اعتقادی، اخلاقی و حقوقی موضوع، اثبات ضرورت التزام به ضوابط شرعی در امور پزشکی است. سپس به مهمترین موضوع در این باب، یعنی اصلاح روابط زن و مرد در امور پزشکی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: ضوابط شرعی، امور پزشکی، مصالح و مفاسد واقعی، مبانی اعتقادی، مبانی اخلاقی، مبانی حقوقی

مقدمه

صنعتی و وصفی اخلاقی بیان فرموده‌اند؛ فقیهان عالم باید تقوایی باشند، باشند، حاکمان مطاع خیرخواه و پزشکان دانا، ثقه و مورد اعتماد باشند. این سه گروه اگر فضیلت اخلاقی مورد اشاره را داشته باشند سلامت و صلاح جامعه رارقم می‌زنند؛ اما چنانچه متخلق به فضیلت اخلاقی مذکور نباشند موجب فساد و بیماری جامعه خواهند شد. امام خمینی (ره) می‌گوید: «چنانچه عالم مهذب نباشد ولو اینکه عالم به احکام اسلام باشد و لو اینکه عالم به توحید باشد، اگر مهذب نباشد برای خودش و برای کشور و برای ملتش و برای اسلام ضرر دارد، باید دانشگاه و فیضیه و همه آنها که مربوط به دانشگاه هستند و همه آنها که مربوط به فیضیه هستند در راس برنامه‌های تحصیلی شان برنامه اخلاقی و برنامه‌های تهذیبی باشد و اگر خدای نخواستہ برخلاف باشد، آن وقت افرادی مقابل این افراد را به جامعه می‌فرستند و اینها جامعه را به فساد می‌کشند و مردم را به اسارت» (۳).

موضوع بحث صنف سوم (پزشکان) است. پزشک ثقه و مورد اعتماد که درمانگر جامعه است، کیست؟ نظام پزشکی، در نظام مقدس جمهوری اسلامی در چه صورتی ثقه و مورد اعتماد خواهد بود؟

«سلامتی» نعمت بزرگی است که به همراه «امنیت» دنیا را برای انسان لذتبخش می‌نماید و بستر تکامل و سعادت آخرت را برای او مهیا می‌سازد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «النعم فی الدنیا الامن و صحه الجسم و تمام النعمه فی الآخرة دخول الجنة» (۱) (نعمت دنیا امنیت و سلامتی است و این نعمت در آخرت بارفتن به بهشت کامل می‌شود). فقدان این دو نعمت تحمل دنیا را سخت و امکان تعالی را از انسان سلب می‌کند. ثبات و بقا آن وابسته به سه صنف است. در حدیث شریف از امام صادق (ع) آمده است: «لا یستغن اهل کل بلد عن ثلاثه یفزع الیهم فی امر دنیاهم و آخرتهم فان عدموا ذلک کانوا همجا فقیه عالم ورع و امیر خیر مطاع و طبیب بصیر ثقه» (۲) (هیچ اجتماعی از سه چیز بی نیاز نیست تا در امور مربوط به دنیا و دین به آنان پناه ببرند و جامعه‌ای که بی نصیب از آن سه باشد، جامعه‌ای نابسامان خواهد بود. فقیه دانشمند و پرهیزگار، حاکم خیرخواه که مردم از او اطاعت کنند، پزشک دانا و مورد اعتماد).

در این روایت امام صادق (ع) سامان جامعه را به سه گروه وابسته دانسته‌اند، (فقیهان، حاکمان، پزشکان) و برای هر گروه وصفی

صبغه الهی می‌یابد.

پزشک مومن نیز همین گونه با هستی تعامل برقرار می‌کند. پیامبر (ص) به پزشکی فرمود: «ان الله عزوجل الطیب ولکنک رجل رفیق» (۷)، (طیب خدای عزوجل است اما تو یاری مهربان هستی). در مانگر همان است که خالق درد است و پزشک تنها واسطه تحقق اراده الهی است. چنانچه رسول الله در حدیث دیگر، خطاب به پزشکی فرمود: «الله الطیب بل انت رجل رفیق طیبها الذی خلقها» (۸) (خدایست که طیب است و تو یاروری مهربان هستی، طیب درد، کسی است که آن را آفریده است).

حضرت ابراهیم (ع) آنگاه که خداوند تعالی را معرفی می‌کند، به این حقیقت توحیدی اشاره کرده، می‌گوید: «الذی خلقنی فهو یهدین والذی هو یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین» (۹) (=) همان کسی که مرا آفریده، او هدایت می‌کند و کسی که او مرا اطعام می‌کند و آبم می‌دهد و چون بیمار شدم او مرا بهبودی می‌دهد. وقتی ارائه خدمات پزشکی در حوزه عمل انسان قرار می‌گیرد، یعنی عمل پزشک و یا کسانی که کارشان مربوط به امور پزشکی است، در قلمرو احکام شرع مقدس اسلام قرار می‌گیرد، به اقتضاء توحید هستی و اعتقاد توحیدی پزشکان، انطباق ارائه خدمات پزشکی با شریعت اسلام، ضرورت می‌یابد و تعدی از آن خسارت به شخص مرتکب و آسیب رسانی به جامعه است زیرا احکام الهی مطابق با مصالح و مفاسد واقعی جعل گردیده است؛ یعنی تشریح الهی منطبق با تکوین اوست. چنانچه می‌فرماید: «و تلک حدود الله و من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه» (۱۰). (=) و آن حدود خدایست و هر کس از حدود خدا پا فراتر نهد قطعاً به خود ستم کرده است.

مبنای اخلاقی ضرورت التزام به ضوابط شرعی در امور

پزشکی

انسان وقتی در محضر فرد بزرگواری حاضر می‌شود، بر خود فرض می‌داند، حرمت حضور او را حفظ کرده، مودبانه با او برخورد نماید؛ هر قدر منزلت شخص برتر باشد، ادب مواجهه انسان با او فزونی می‌یابد. خداوند متعال شریفترین وجود هستی است، زیرا مطلق کمال و کمال مطلق است؛ او شدیدترین حضور را در هستی دارد زیرا صرف الوجود و وجود مطلق است. چنانکه می‌فرماید: «الا انهم فی مریه من لقاء ربهم الا انه بکل شیء محیط» (۱۱). (آگاه باشید

در این نوشتار با بررسی آیات قرآن کریم، بیانات نورانی معصومین (ع) و ملاحظه نظرات مراجع معظم دین، به پاسخ سوال‌های مذکور پرداخته‌ایم.

نتیجه و حاصل این پژوهش اثبات ضرورت التزام به ضوابط شرعی در امور پزشکی است و اینکه اولویت نخست در محیط‌های درمانی و پزشکی اصلاح روابط مردان و زنان است.

مبنای اعتقادی ضرورت التزام به ضوابط شرعی در امور

پزشکی

قریب به اتفاق مردم جامعه ما اعتقاد به اسلام دارند. اسلام دارای شریعتی جامع است که همه‌ساحت‌های حیات انسان را شامل می‌گردد و در تمامی زمینه‌های مربوط به عمل انسان نظر دارد. هستی‌شناسی، خداشناسی و انسان‌شناسی اسلام مبنای منطقی شمول احکام شریعت اسلام است. خداوند متعال می‌فرماید: «و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیره سبحان الله و تعالی عما یشرکون» (۴) (و پروردگار تو هر چه بخواهد می‌آفریند و بر می‌گزیند و آنها را اختیاری نیست. خدا منزّه و فراتر از چیزی است که با او شریک می‌کنند).

علامه طباطبائی (ره) در تفسیر آیه کریمه می‌گوید: «ظاهراً جمله - یخلق ما یشاء - اشاره است به اختیار تکوینی خدا و می‌فهماند که اختیار او مطلق است و به این معنی که قدرت او قاصر از خلقت هیچ چیز نیست هیچ چیزی او را از آنچه می‌خواهد مانع نمی‌شود و جمله - یختار - اشاره به اختیار تشریحی و اعتباری خداوند دارد و شاهد آن جمله - ما کان لهم الخیره - است. پس اگر خدای تعالی از انسانها عمل و ترک عملی را بخواهد دیگر انسانها در مورد خواست او اختیاری ندارند تا بتوانند آنچه خواستند برای خودشان اختیار کنند اگرچه مخالف آن چیزی باشد که خدا خواسته است» (۵).

معنای این آیه شریفه نزدیک به آیه دیگر است که می‌فرماید: «و ما کان لمومن و لا مومنه اذا قضی الله و رسوله امران یكون لهم الخیره من امرهم» (۶)، (هیچ مرد و زن مومن را بعد از آنکه خدا و رسولش به امری حکم کردند، نمی‌رسد که در کار خود اختیار داری کنند). شخص مومن بر این باور است که هستی مخلوق خداوند است و اثر وجودی هر موجودی تابع اراده تکوینی اوست؛ انسان وقتی منطبق با تشریح الهی قدم بر می‌دارد خود را با هستی تکوینی مطابق کرده، واسطه تحقق اراده الهی می‌شود و در این فرایند همانند هستی

کسی که حیاء را زیر پامی نهد و حرمت حضور خداوند را نگه نمی‌دارد، هرکاری که انجام می‌دهد، خوب یا بد، مورد عقاب و مواخذه قرار خواهد گرفت، یعنی کارهای خوب او هم اگر چه صورت زیبایی دارد، اما باطن کریه و زشتی خواهد داشت، لذا پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «اذا لم تستح فاعمل ما شئت ای اذا فارقت الحیاء فکل ما عملت من خیر و شرفانت به معاقب» (۱۶) (چون حیا را به کنار نهادی، هرچه بخواهی بکن، زیرا وقتی که حیاء را رها کردی، هر عمل خوب و بدی که انجام دهی، بابتش کیفر خواهی دید).

امام صادق (ع) در ارتباط با منزلت و وجودی انسان با حیاء می‌فرماید: «و ان خطوه تتخطاه فی ساحات هیبه الله بالحیاء منه الیه خیر له من عبادة سبعین سنه» (۱۷) (هر گامی که انسان با حیا در ساحت هیبت خدا بر می‌دارد از عبادت هفتاد سال برایش بهتر است).

این بیان حاکی از برکت و وجودی فراوان انسان با حیا است. اگر هر قدم او ارزشی فراتر از هفتاد سال عبادت دارد، یعنی افعال و رفتار او در هستی به همین نسبت تاثیرگذارتر است.

همان‌طور که گفته شد حیا مولود ایمان توحیدی است و چون اعتقاد و ایمان به توحید مراتب مختلف دارد، مراتب حیا نیز مختلف و آثار آن متفاوت است. امام صادق (ع) در بیان مراتب حیا می‌فرماید: «والحیاء خمسہ انواع: حیا ذنب و حیا تقصیر و حیا کرامه و حیا حب و حیا هیبه و لکل واحد من ذلک اهل و لاهله مرتبه علی حده» (۱۸) (حیائی پنج نوع است: حیا گناه، حیا تقصیر در بندگی، حیا از بزرگواری خدا، حیا از محبت خدا، حیا از هیبت و سلطه الهی. هر یک از موارد یاد شده را اهلی است که هر کدام، مرتبه خاص خود را دارد).

طبق فرمایش امام (ع) اولین و پایین‌ترین مرتبه حیا، حفظ حدود شرعی و پایبندی به احکام الهی است. پس اگر قرار است احکام الهی در محیط‌های درمانی و پزشکی جامعه اسلامی ایران اجرا گردد، باید عطر فضیلت حیا فضاها را درمانی و پزشکی را پر نماید و راه منحصر آن، حاکمیت اعتقاد توحیدی در نظام پزشکی و تربیت کادر پزشکی و درمانی موحد و با فضیلت است.

مبنای حقوقی ضرورت التزام به ضوابط شرعی در امور

پزشکی

از جهت حقوقی نیز انطباق خدمات و امور پزشکی با ضوابط شرعی

که آنها از لقای پروردگارشان در شک و تردیدند، آگاه باشید که خداوند به همه چیز احاطه دارد. خداوند متعال در همه جا حاضر و ناظر است و به همه موجودات احاطه دارد، او شدیدترین ارتباط و جودی را با انسان دارد و از خود او به او نزدیکتر است، می‌داند در قلب او چه می‌گذرد و چه پنهان می‌کند؛ چنانچه می‌فرماید: «واعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه» (۱۲). (بدانید که خداوند میان انسان و قلب او حائل است).

محبت، مهر و لطف خداوند به انسان فزونتر و برتر از او به خویشتن است. حضرت ایوب (ع) آنگاه که تنگناهای سخت او را به شدت تحت فشار قرار داده بود، خطاب به پروردگار مهربان می‌گوید: «انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین» (ناراحتی به من روی آورده است و تو مهربانترین مهربانانی).

آیا بندگی چنین خدائی عزت آفرین نیست؟ و جای مباهات و افتخار ندارد؟

حال مشخص می‌شود، چرا امام توحید و فضیلت امیرالمومنین (ع) در خطاب به خداوند عرض می‌کند: «الهی کفی بی عزا ان اکون لک عبداً و کفی بی فخر ان تکون لی رباً انت کما احب فاجعلنی کما تحب» (۱۳). (= خدایا، در عزتمندی من همین بس که بنده توام و در افتخار من همین بس که تو پروردگار منی، تو آنگونه‌ای که من دوست دارم پس مرا به گونه‌ای ساز که تو دوست داری). انسان در مواجهه با چنین خدائی چگونه باید عمل کند؟ آیا نباید حیاء در محضر خداوند همه هستی او را پوشش دهد؟

به همین جهت، امام صادق (ع) حیا را شرط ایمان توحیدی و معرفت به خداوند متعال دانسته، می‌فرماید: «الحیاء نور جوهره صدر الایمان و تفسیره التثبت عند کل شیء، ینکره التوحید و المعرفه» (۱۴). (حیاء فروغی است که جوهره اش ایمان است و تفسیرش پرهیز از هرچه که توحید و معرفت خدا، انکارش کند و آن را نپسندد). انسان با حیاء همه هستی اش (وجودش، صفاتش، افعالش) خیر است، برعکس او همه هستی انسان وقیح و بی حیا شر است؛ حتی تعبدش و اموری که به ظاهر صحیح است اما باطن آن آلوده و فسادآور است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «و صاحب الحیاء خیر کله و من حرم الحیاء فهو شر کله و ان تعبد و تورع» (۱۵) (صاحب حیاء، همه اش خیر و آن کسی که از حیاء محروم است اگرچه متعبد و متورع باشد، همه اش شر است).

پس اولویت نخست در تطبیق امور پزشکی با ضوابط شرعی، اصلاح روابط مردان و زنان در محیطهای درمانی و امور پزشکی است.

تحقق این مهم در گرو، امور ذیل است:

- ۱- تدوین مقررات و ضوابط کاری مناسب مطابق ضوابط شرعی.
 - ۲- ایجاد شرایط مطلوب فیزیکی در محیطهای پزشکی برای برقراری ارتباط مشروع بین زنان و مردان.
 - ۳- تقویت اعتقاد و ایمان کارکنان به برقراری روابط اجتماعی و کاری برابر موازین شرع مقدس اسلام.
- با تحقق بند سوم، انجام دو بند دیگر کارساز و موثر خواهد بود. اگر کارکنان شریف و مسلمان کادر پزشکی رعایت عفت الهی را تکلیف اعتقادی خود بدانند، التزام به ضوابط شرعی در محیطهای درمانی را ضروری دیده، با مطالبات خویش، مسئولان را ملزم به انجام دو بند دیگر خواهند نمود.

حضرت آیت اله جوادی آملی حفظه الله در این ارتباط می‌گوید: «اولین قدم برای تطبیق امور شریف پزشکی با موازین شرعی، جداسازی زنان از مردان و مردان از زنان است. این را هم مرد باید بداند و هم زن که عفت حق خداست نه حق خود او، این مثل خانه نیست، مثل فرش نیست، مثل مال نیست. مرد پاسدار است حق او نیست، حق الله است که او باید حفظ کند. چه اینکه عفت زن و حرمت زن حق الله است نه حق الناس. لذا اگر به مردی تجاوز شود یا به زنی تجاوز شود و حرمت اینها هتک شود، نه پدر حق رضایت دادن دارد، نه مادر حق رضایت دادن دارد، نه شوهر حق رضایت دادن دارد و نه خود زن حق رضایت دادن دارد. با رضایت هیچ کدام از اینها پرونده ختم نمی‌شود، این حق الله است که گاه (حکم آن) اعدام است و گاهی غیر اعدام، حکم باید جاری شود» (۲۲).

فلسفه جداسازی زن و مرد در محیطهای پزشکی

الف - پیشگیری از فتنه جنسی

احکام الهی که از علم و حکمت خدای متعال ناشی شده، به ملاحظه مصالح و مفاسد واقعی بندگان وضع گردیده است. حضرت رضا (ع) می‌فرماید: «انا وجدنا کلما احل الله تبارک و تعالی فیه صلاح العباد و بقائهم ولهم الیه الحاجه التی لایستغنون عنها و وجدنا المحرم من الاشیاء لا حاجه للعباد الیه و وجدنا مفسداً داعیاً الی الفناء والهلاک» (در هر آنچه خدای تبارک حلال کرده است صلاح و بقا

یک ضرورت اجتناب ناپذیر است؛ زیرا قانون اساسی کارگزاران نظام و نهادهای کشور را مکلف کرده است که کلیه مقررات، برنامه‌ها و عملکردها باید منطبق با ارزشها و موازین اسلام باشد.

در اصل چهار قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است» (۱۹). پس از بعد حقوقی و قوانین حاکم بر جامعه نیز لازم است امور پزشکی منطبق با موازین اسلامی و احکام شرعی باشد.

اولویت‌های التزام به ضوابط شرعی در امور پزشکی

اصلی‌ترین سرمایه نظام پزشکی، پزشکان و کادر درمانی آن می‌باشد؛ زیرا آنان امکانات و ابزار درمانی را بکار می‌گیرند و ارتباط انسانی هوشمند و عاطفی با بیماران و مراجعان برقرار می‌کنند. اگرچه دانش و مهارت لازم در امور پزشکی و درمانی برای کارکنان کادر پزشکی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد، اما علاوه بر آن، محیط پزشکی همانند همه محیطهای انسانی دیگر باید از عناصر انسانی پاک و بافضیلت برخوردار باشد تا تعاملات انسانی مناسب بین مجموعه کادر درمانی در وهله نخست و بین آنان با بیماران و مراجعان در مرتبه بعد، برقرار گردد. حتی استفاده مطلوب و بهینه از امکانات پزشکی و ابزار درمانی مرسوم وجود انسانهای پاک و بافضیلت است. مقام معظم رهبری در این ارتباط می‌فرماید: «بایستی مسأله عدم رعایت اخلاق و رفتار دینی در زمینه زن و مرد در امر پزشکی را چه در دوران آموزشی و چه در مرحله عمل و اجراء زائل کنیم و مبنای اسلامی بگذاریم» (۲۰).

ایشان اولین اولویت را در اصلاح نظام پزشکی، سامان بخشی به روابط زن و مرد در محیطهای درمانی می‌دانند و در این ارتباط می‌فرماید: «البته مسائل پزشکی و التقا آن با مسائل شرعی در چند زمینه مهم است، اهم آنها تا آنجایی که بنده برخورد کردم همین مسائل زن و مرد و اختلاط دو جنس است، آن چیزی که بیش از همه مبتلا به است همین مسأله زن و مرد است، چه در بخشهای علمی و تحصیلی و چه در بخشهای عملی و بیمارستانها و مطبها، همین چیزی که ما به آن محرم و نامحرم می‌گوییم» (۲۱).

باعث می‌شود او بر این کشش طبیعی تسلط یابد رحمت و هدایت خداوند متعال است» (۲۶).

قران کریم می‌فرماید، کسی برخوردار از رحمت الهی می‌شود که اهل ایمان و جهاد در راه خدا باشد. «ان الذین آمنوا والذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمه الله والله غفور رحیم». (۲۷). (البته کسانی که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آنان به رحمت خدا امیدوارند و خدا آمرزنده‌ی مهربان است).

ایمان، هجرت از دار طبیعت و بیت نفس و مجاهده پیگیر در راه خدا، انسان را به مقام تسلیم در مقابل خداوند متعال و اخلاص الهی می‌رساند، منزل تسلیم و منزلت اخلاص انسان را از گرفتار شدن به گنداب شهوات نجات می‌دهد؛ و الا رها کردن تمایلات نفس و جاذبه جنس مخالف انسان را به جهنم آلودگی خواهد کشاند. آنچه حضرت یوسف را نجات داد ایمان توحیدی و بندگی خالصانه او بود. «و لقد همت به و هم بها لولان رءا برهان ربه کذلک لنصرف عنه السوء والفحشاء انه من عبادنا المخلصین» (۲۸). (و آن زن آهنگ وی کرد یوسف نیز اگر برهان پروردگار را ندیده بود آهنگ او کرده بود. چنین کردیم تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، او از بندگان خالص شده‌ی ما بود).

ب - حفظ منزلت انسان

فلسفه دیگری که نسبت به احکام الهی جهت اصلاح روابط زنان و مردان می‌توان بیان نمود، عنایت خدای تعالی به حفظ طهارت و منزلت انسان است. قران کریم می‌فرماید: «ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون» (۲۹). (خدا نمی‌خواهد هیچگونه حرج و دشواری را بر شما تحمیل کند بلکه می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام کند؛ باشد که سپاس دارید).

پس فلسفه جعل احکام شرعی، تطهیر انسان و اتمام نعمت است. انسان خلیفه خداوند است، او باید مظهر صفات کمال خدا گردد. برای خدایی شدن باید شتابان در صراط مستقیم حرکت نمود و مراقب بود از مسیر منحرف نشده، به علایم جاذب و انحرافی که شیاطین جن و انس در مسیر مستقیم بندگی قرار داده‌اند تا بندگان خدا را به انحراف بکشند، فریفته نشود. یکی از علایم انحرافی

بندگان را یافتیم که به آنها نیازمند هستند و برای آنان مصلحت و فایده دارد و آنچه را حرام کرده است علاوه بر اینکه مورد نیاز بشر نیست، منشأ فساد و فنا و نیستی او می‌باشد).

پس هیچ موضوعی بدون مصلحت، حلال و یا واجب نشده است و هیچ محرمی بدون مفسده و ضرری حرام نگردیده است. البته منظور از مصلحت فقط فواید جسمی و بهداشتی نیست بلکه فواید جسمی، روحی، فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی و فواید دیگر، همه جزء مصالح بندگان به شمار می‌رود. ممکن است یک حکم فایده جسمی برای بشر نداشته باشد ولی اثر روحی و تاثیر تربیتی بر او بگذارد؛ به عنوان مثال: ممکن است سجده در مقابل خدای متعال و گذاشتن پیشانی روی زمین اثر بهداشتی نداشته باشد ولی در پرورش انسان و تقویت روح تواضع در او موثر است.

احکام شرعی در ارتباط با روابط زن و مرد مانند سایر احکام به منظور تحصیل مصالح و پیشگیری از مفسد وضع گردیده است. مقام معظم رهبری در این ارتباط می‌فرماید: «این (جداسازی زن و مرد) به معنای عدم ورود یکی از دو جنس در محل حضور جنس دیگر نیست به معنای عدم همکاری اینها با هم نیست، بلکه به معنای خاصی است... هر آن چیزی که فتنه جنسی ایجاد کند، کانه ملاک در شرع مقدس اسلام این قرار داده شده، با فتنه جنسی که واقعاً هم فتنه بد و خطرناکی است و مایه ابتلای انسانهاست... هر جا و در هر سطحی که زن و مرد دچار این فتنه بشود، بر اینها گمراهی و غفلت و لغزش به وجود خواهد آمد شرع مقدس اسلام بنا گذاشته است که این گنداب را بخشکاند... آنچه در شرع مقدس در باب زن و مرد وجود دارد معیار و مناط در آن عبارت است از اجتناب از فتنه جنسی» (۲۴).

فتنه جنسی به جهت تمایلات درونی و غرایز جنسی انسان و جاذبه‌هایی که در جنس مخالف وجود دارد، بسیار خطرناک است؛ تا جائی که پیامبر بزرگ خدا، حضرت یوسف از خوف این فتنه به خدای رحمان پناه برده، می‌گوید: «و ما ابرء نفسی ان النفس لاماره بالسوء الا ما رحم ربی» (۲۵). (من خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که مسلماً نفس آدمی پیوسته به بدیها امر می‌کند، مگر آنکه پروردگارم رحم کند).

صاحب تفسیر وزین مجمع البیان، در تفسیر آیه شریفه می‌گوید: «طبع بشر به مسائل نفسانی و شهوانی تمایل داشته و آنچه که

گزند شیطان مصون دارد. چنانچه خطاب به شیطان می‌فرماید: «ان عبادی لیس لک علیهم سلطان و کفی بریک وکیلا» (۳۵). (به یقین تو را بر بندگان من تسلطی نیست و کفالت پروردگارت بس است).

ج - حفظ بنیان خانواده

یکی دیگر از علل توجه شریعت مقدس اسلام به اصلاح روابط زن و مرد، حفظ بنیان خانواده است. خداوند تعالی دو ویژگی ممتاز را به انسان اختصاص داده است. نخست اینکه در او ظرفیت و استعداد جانشینی خود را نهاده است؛ دیگر اینکه او را واسطه در آفرینش جانشین خود قرار داده است. زن و مرد به عنوان پدر و مادر منشأ ولادت موجودی هستند که لیاقت و استعداد جانشینی خدای سبحان را دارد. برای اینکه انسان قادر بر انجام این رسالت سنگین در جریان آفرینش باشد، همه نیازمندی‌های او تامین گردیده است. قرآن کریم می‌فرماید: «و اتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها» (۳۶). (هر چیزی که از او تقاضا کردید - و از نظر جسم و جان، فرد و اجتماع، سعادت و خوشبختی به آن نیاز داشتید - در اختیار شما قرار داد، اگر نعمتهای الهی را بخواهید بشمارید هرگز نمی‌توانید شمارش کنید).

تدبیر آفرینش گذشته از کشش غریزی که بین زن و مرد نهاده از جهت عاطفی و روحی نیز آنان را به هم وابسته ساخته است. قرآن کریم می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون» (۳۷). (و از نشانه‌های خداوند آن است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید، برای اینکه در کنار آنها به آرامش برسید و بین شما مودت و رحمت قرار داد. همانا در این امور نشانه‌های شناخت خدا وجود دارد، برای کسانی که تفکر و اندیشه می‌کنند). در صورتی که روابط غریزی، عاطفی و روحی زن و مرد مطابق اراده تشریحی خداوند متعال برقرار گردد، بنیان خانواده مستحکم و کانون خانوادگی موطن امن برای ولادت و رشد مطلوب جانشینان خدا خواهد بود. اما اگر غریزه جنسی، گرایش عاطفی و تمایل روحی زن و مرد از مجرای الهی و اخلاقی آن خارج شود، بنیان خانواده سست و کانون خانوادگی ویران می‌گردد. چنانچه ویرانی خانواده در جوامع غربی بخاطر آزادی روابط جنسی است و در جوامع دینی خانواده‌هایی که معیارهای الهی را زیر پا نهاده‌اند

که شیطان از آن برای به اسارت کشیدن انسان بسیار بهره می‌گیرد تمایلات جنسی است. قرآن کریم می‌فرماید: «و استغزز من استطعت منهم بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الاموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشیطان الا غروراً» (۳۰). (و از ایشان هر که را توانستی به آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان و بر آنها بتاز و با آنها در اموال و اولاد شریک شو و به ایشان وعده بده ولی شیطان جز از روی فریب به آنها وعده نمی‌دهد).

مشارکت شیطان با انسان در اولاد، به معنای آلوده ساختن روابط جنسی زنان و مردان است (۳۱). مرحوم علامه طباطبائی در توضیح این مشارکت می‌گوید: «در آنکه از راه حرام فرزندی برای آدمی به دنیا آید و یا از راه حلال به دنیا آید ولیکن به تربیت دینی و صالح تربیتش نکند و به آداب خدایی مودبش نسازد، در نتیجه سهمی از آن فرزند را برای شیطان قرار داده و سهمی را برای خودش و همچنین چیزهای دیگر» (۳۲).

رسول الله (ص) در ارتباط با دخالت شیطان در آلودگی‌های جنسی انسان می‌فرماید: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس فمن ترکها خوفاً من الله اعطا الله ایمانا یجد حلاوته فی قلبه» (۳۳). (نگاه حرام تیری از تیرهای مسموم شیطان است. پس کسی که نگاه به نامحرم نکند به جهت ترس از خدا، خداوند به او ایمانی عطا می‌کند که شیرینی اش را در قلبش می‌یابد).

پس یکی از دامهای شیطان برای به اسارت کشاندن انسان امور جنسی است؛ باید مراقب بود از این ناحیه فریب شیطان را نخورد. حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله می‌گوید: «عفاف و عصمتی که زن عهده دار اوست یا مرد پاسدار اوست، این حق الله است نه حق الناس. چون انسان پاسدار چنین حقی است، صاحب حیثیت است. برای اینکه این حیثیت همچنان محفوظ بماند، حتماً باید بیمارستان زنان از مردان جدا باشد، مخصوصاً در بخشهای زایمان و اتاق عمل خانمها، آقایان حضور نداشته باشند و اتاق بستری زن از مرد جدا باشد و پزشک زن از مرد جدا باشد، زیرا در غیر اینصورت ناخودآگاه یک تیرگی شعور را به همراه می‌آورد، کم کم ممکن است خدای ناکرده انسان را آلوده کند» (۳۴).

البته شیطان تسلطی بر انسان ندارد، اگر کفالت خداوند متعال را بپذیریم و به ولایت او مومن باشیم و به عهد فطری خود با خداوند وفادار و به احکام الهی پایبند باشیم خداوند وعده داده است ما را از

آسیب بیشتری دیده‌اند.

حضرت آیت الله جوادی آملی حفظه الله در این ارتباط می‌گوید: « (اسلام) برای اینکه اصول خانوادگی کاملاً مستحکم باشد و بنای مرصوص آن همچنان بماند به مرد می‌گوید به نامحرم نگاه نکن، به زن می‌گوید به نامحرم نگاه نکن، این چنین نیست که نگاه به نامحرم فقط برای مرد ناروا باشد، به زن هم می‌گوید نگاه نکن. سرش این است که انسان چه مرد و چه زن در بعضی از سنین یک جاذبه‌ای دارند و این جاذبه را ذات اقدس حق آفرید تا اساس تشکیل زندگی مشترک تامین شود و اگر خدایی نکرده مردی به زن بنگرد و زنی به مرد بنگرد. این جاذبه، جاذبه کاذب خواهد بود، این جاذبه کاذب، آن جاذبه صادق را از بین می‌برد، یعنی زن و شوهری که در منزل زندگی خوبی تشکیل داده‌اند، با نگاه نامحرمانه نامحرم این زندگی مشترک آسیب می‌بیند» (۳۸).

حکم شرعی نگاه و لمس به منظور معاینه و درمان

پزشک باید از نگاه کردن و لمس بدن زنی که بیمار است تا زمانی که اضطرار پیدا نکرده خودداری نماید و بر زنان واجب است که در صورت توجه و توانائی بدن خود را بپوشانند و یا از کس دیگر بخواهند این کار را انجام دهد (۳۹).

اگر پزشک (در صورت نبودن پزشک همگن) جهت معالجه و یا کارهایی از قبیل تشخیص نبض، گرفتن خون و شکسته بندی، ناچار شود به بدن نامحرم نگاه کند، یا دست به بدن او بزند، در این صورت لمس و نگاه اشکال ندارد. البته اگر در چنین مواردی پزشک بتواند با نگاه کردن و یا با لمس کردن مریض نامحرم را معالجه نماید، بایستی به همان نگاه یا لمس (آن هم به مقدار ضرورت) بسنده کند و زیاده از آن جایز نیست (۴۰).

نتیجه‌گیری

از بررسی آیات قران کریم و بیانات نورانی معصومین (ع) و نظرات مراجع معظم دین در ارتباط با رابطه ضوابط شرعی با امور پزشکی نتایج ذیل بدست می‌آید:

۱- شغل شریف پزشکی از دیدگاه اسلام مقدس است، زیرا: اولاً پزشک «سلامتی» را که نعمت بزرگ الهی است به انسانها برمی‌گرداند. ثانیاً پزشک واسطه تحقق اراده تکوینی خداوند

متعال است.

۲- سه صنف در سامان جامعه نقش اساسی دارند، فقیهان، حاکمان و پزشکان. به شرط اینکه فقیهان پارسا، حاکمان خیرخواه و پزشکان ثقه و مورد اعتماد باشند.

۳- قریب به اتفاق مردم ایران، مسلمان اند و اساس اسلام توحید است. اعتقاد به توحید و ربوبیت تشریحی خداوند متعال مستلزم التزام به ضوابط شرعی در افعال اختیاری (فردی یا اجتماعی) می‌باشد.

۴- نظام اخلاقی اسلام نیز مبتنی بر توحید است و اعتقاد به ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند تعالی مستلزم حیا توحیدی است. نخستین مرتبه آن حیا از گناه است یعنی مسلمان اخلاقی التزام به احکام الهی و ضوابط شرعی دارد.

۵- احکام الهی براساس مصالح و مفاسد واقعی که در هستی توحیدی جریان دارد، وضع گردیده است، پس التزام به احکام شرعی هماهنگی با هستی و برخورداری از مصالح آن است و عدم التزام به آن ظلم به خویشتن است.

۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبنای همه مقررات و قوانین اجتماعی را شریعت مقدس اسلام قرار داده است. در نتیجه جعل مقررات و اعمال کارگزاران نظام باید منطبق با ضوابط شرعی باشد.

۷- اولویت نخست در تطبیق امور پزشکی با ضوابط شرعی، اصلاح

روابط مردان و زنان در محیط‌های درمانی و پزشکی می‌باشد.

۸- فلسفه جداسازی زن و مرد در جامعه اسلامی از جمله محیط‌های درمانی و پزشکی براساس نظام ارزشی اسلام، پیشگیری از فتنه جنسی، حفظ منزلت انسان و حفظ بنیان خانواده است.

۹- رجوع بیمار به پزشک ناهمگن (زن به مرد یا مرد به زن) تنها در حالت ضرورت جایز است و به وقت ضرورت پزشک باید از نگاه کردن و لمس بدن بیمار تا زمانی که اضطرار پیدا نکرده پرهیز کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- میزان الحکمه: ج ۶، ح ۲۹۸۸.

۲- تحف العقول: ۳۱۹.

۳- صحیفه نور، امام خمینی (ره)، ج ۱۴، ص ۱۶۸.

۴- سوره قصص: ۲۸، آیه ۶۸.

- ۳۷- سوره روم: ۳۰، آیه ۲۱.
 ۳۸- مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، ص ۱۴.
 ۳۹- رساله اجوبه الاستفتاءات، ص ۲۹۱، مسأله ۱۳۱۵.
 ۴۰- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح فی الفروع المتعلقة بالنظر مسأله ۲۲.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
 ۲- بحارالانوار، العلامه المجلسی، موسسه الوفا، لبنان، بیروت، ۱۴۰۴ ه. ق.
 ۳- تحف العقول، ابو محمد الحسن بن علی الحسین بن شعبه الحرانی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ه. ق.
 ۴- تحریر الوسیله، الحاج سید روح الله الموسوی الخمینی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، طهران. بی تا
 ۵- ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمدحسین طباطبائی، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. بی تا
 ۶- رساله اجوبه الاستفتاءات، حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۲ ه. ش.
 ۷- صحیفه نور، امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ه. ش
 ۸- علل الشرایع، الشیخ الصدوق، انتشارات مکتبه الداوری، قم، ایران. بی تا
 ۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
 ۱۰- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، انتشارات ناصرخسرو، طهران، ایران. بی تا
 ۱۱- مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، تهیه و تدوین جواد توکلی بزار، موسسه فرهنگی و انتشاراتی تیمورزاده، تهران، آبان ۷۴.
 ۱۲- مستدرک الوسائل، الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی، موسسه ال بیت، قم، ۱۴۰۸ ه. ق.
 ۱۳- مصباح الشریعه، الامام الصادق (ع) موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ه. ق.
 ۱۴- مفاتیح الجنان، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، مترجم مرحوم الهی قمشاهی، انتشارات بحرالعلوم، چاپ پنجم، قزوین، ۱۳۸۰ ه. ش.
 ۱۵- میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، دارالحدیث، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۳ ه. ش.

- ۵- ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۶، ص ۹۸.
 ۶- سوره احزاب: ۳۳، آیه ۳۶.
 ۷- میزان الحکمه، ج ۷، ح ۱۱۱۴۲.
 ۸- همان، ح ۱۱۱۴۳.
 ۹- سوره شعراء: ۲۶، آیات ۸۰- ۷۸.
 ۱۰- سوره طلاق: ۶۵، آیه ۱.
 ۱۱- سوره فصلت: ۴۱، آیه ۵۴.
 ۱۲- سوره انفال: ۸، آیه ۲۴.
 ۱۳- سوره انبیاء: ۲۱، آیه ۸۳.
 ۱۴- مفاتیح الجنان، مناجات امیرالمومنین (ع)، قبل از اعمال ماه رجب.
 ۱۵- مصباح الشریعه، ح ۹۳.
 ۱۶- همان.
 ۱۷- همان.
 ۱۸- همان.
 ۱۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
 ۲۰- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر محترم بهداشت، معاونین وزیر... در تاریخ ۷۴/۸/۱۶.
 ۲۱- همان.
 ۲۲- مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، ص ۱۴.
 ۲۳- علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۲.
 ۲۴- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با وزیر محترم بهداشت، معاونین وزیر... در تاریخ ۷۴/۸/۱۶.
 ۲۵- سوره یوسف: ۱۲، آیه ۵۳.
 ۲۶- مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۶۸.
 ۲۷- سوره بقره: ۲، آیه ۲۱۸.
 ۲۸- سوره یوسف: ۱۲، آیه ۲۴.
 ۲۹- سوره مائده: ۵، آیه ۶.
 ۳۰- سوره اسراء: ۱۷، آیه ۶۴.
 ۳۱- مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۵۸.
 ۳۲- ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۱.
 ۳۳- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸، ح ۳۴. مستدرک الوسائل ج ۱۴، ص ۲۶۸، حدیث ۱۶۶۸۰.
 ۳۴- مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرعی، ص ۱۴.
 ۳۵- سوره اسراء: ۱۷، آیه ۶۵.
 ۳۶- سوره ابراهیم: ۲۴، آیه ۳۴.